انترناسیونال 814

اصغر کریمی

**گزارش به افکار عمومی جهانی**

**درمورد جدال عظیم سیاسی در ایران**

بسیاری از شما مردم جهان بخوبی میدانید که حکومتی که در ایران سر کار است، یکی از جنایتکارترین، ارتجاعی ترین و ضد مردمی ترین حکومت های دنیا است، اما به ابعاد جدال مردم علیه این حکومت واقف نیستند. نه دولت ها و احزاب حاکم و نه رسانه های رسمی در غرب و سایر نقاط جهان تمایلی به بازگو کردن این حقیقت مهم ندارند و حتی علیرغم اطلاع از نارضایتی عمیق اکثر قریب به اتفاق مردم ایران، این حکومت را شایسته مردم میدانند و انواع توجیهات و تئوری ها را برای این دروغ بزرگ سر هم کرده اند. ما مداوما تلاش کرده ایم صدای اعتراض مردم ایران، کارگران و زنان و بخش های مختلف مردم به این حکومت هار سرمایه داری و مذهبی را به گوش افکار عمومی برسانیم و اکنون نیز در این نوشته کوتاه توجه سازمان های کارگری، احزاب و سازمانهای مدافع حقوق انسان و کل افکار عمومی جهانی را به جدال عظیمی که در ایران در جریان است و اهمیت تاریخی و جهانی این جدال، جلب میکنیم.

در ایران یکی از دست راستی ترین حکومت های سرمایه داری حاکم است که با قانون و انواع ارگانهای سرکوب و اعدام و شکنجه و شلاق و زندان هرگونه حقی برای متشکل شدن و اعتصاب و اعتراض کارگران را پایمال کرده تا وحشیانه ترین نوع استثمار را به آنها تحمیل کند. روبنای ایدئولوژیکی این حکومت اسلام است و حکومت با توسل به قوانین ۱۴۰۰ سال قبل در طول ۴۰ سال حاکمیت خود با سازماندهی دهها ارگان تلاش سیستماتیکی به خرج داده تا جامعه را اسلامی کند، زنان را از هر حقی حتی نوع لباس خود محروم کند و با جنایات بیشمار و هرروزه، جامعه را از هر حقی و هر نوع آزادی عقیده و اعتراض و تشکلی محروم کند. این لیست انتها ندارد.

اما اینها که افکار عمومی جهانی کم و بیش از آنها مطلع است، یک جنبه از واقعیات مربوط به ایران است. آنچه بخش اعظم مردم جهان از آن بیخبر نگهداشته شده اند، جدال قدرتمند، مدرن، رادیکال و پیشروی است که توسط کارگران، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان و بخش های مختلف مردم در جریان است و تاکنون عقب نشینی های مهمی به حکومت تحمیل کرده است. جدالی تاریخی که میرود تا سرنوشت ۸۰ میلیون مردم ایران را بطور بنیادی دگرگون کند.

از بدو قدرت گیری حکومت اسلامی، کارگران اعتصابات و راهپیمایی های قدرتمندی را شروع کردند،‌ شوراهایشان را در بسیاری مراکز سازمان دادند و مطالبات خود را اعلام کردند. جمهوری اسلامی موفق شد با زندانی کردن بیش از صدهزار مخالف سیاسی و قتل عام بیش از ۳۰ هزار نفر از آنها از جمله هزاران فعال کمونیست و رهبران کارگری، و سپس با اخراج دهها هزار دانشجو و استاد چپ و آزادیخواه از دانشگاهها، برای مدتی اعتصابات و اعتراضات کارگران و سایر بخش های جامعه را برای مدتی محدود کند.

اما از حدود دو دهه قبل فضای اعتراضی تازه ای در ایران شکل گرفته است. کارگران مراکز تولیدی یا معلمان و بازنشستگان با سازماندهی سالانه هزاران اعتصاب و تجمع و راهپیمایی، بسیاری از محدودیت ها و ممنوعیت ها را در هم شکسته اند و نقش مهمی در فضای سیاسی ایران ایفا کرده اند. در سال گذشته با اعتصابات طولانی مدت و سراسری صدها هزار راننده کامیون، اعتصابات سراسری معلمان و اعتصابات طولانی مدت و راهپیمایی های باشکوه و قدرتمند ده هزار کارگر فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه، و هزاران اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور، جنبش کارگری قدرتمندتر از همیشه به میدان آمد و با شعار اداره شورایی توجه و همبستگی وسیع جامعه را به خود جلب کرد. حضور زنان و خانواده های کارگران در صف اول راهپیمایی ها و همراه شدن کل مردم هفت تپه و شوش با تجمع کارگران و سخنرانی های مهیج رهبران کارگری، جلوه های تازه ای از پیشروی کارگران بود.

اما یک عرصه مهم دیگر، مبارزه بسیار توده ای و قدرتمند زنان علیه تحجر و قوانین اسلامی بوده است. این مبارزه نیز از بدو روی کار آمده حکومت شروع شد و سه هفته پس از کسب قدرت توسط حکومت در راهپیمایی هزاران نفره زنان و مردم آزادیخواه به مناسبت هشت مارس و شعار حقوق زن جهانی است، انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم شروع شد و در تمام این چهل سال خیابان ها، دانشگاهها و مدارس و ادارات صحنه جدال شجاعانه و میلیونی زنان با حکومت و قوانین و ارگانهای مختلف سرکوب بوده است. زنان عملا حکومت را در این جنگ شکست داده اند، فضا را بدرجات به نفع خود تغییر داده اند، حجاب را پس زده اند، قوانین اسلامی مربوط به ازدواج و طلاق و جداسازی ها را زیر پا گذاشته و در ژانویه ۲۰۱۸ دختران خیابان انقلاب حجاب را سر چوب کرده و بر سکوهای مراکز شهرها به باد دادند و این مبارزه را گام دیگری به جلو بردند. قبل از آن کمپین های عظیمی علیه اعدام و سنگسار سازمان داده شد بطوری که جمهوری اسلامی مجبور شد سنگسار را عملا متوقف کند و اعدام هارا کاهش دهد بطوریکه اعدام فعالین سیاسی برای حکومت بسیار دشوار و هزینه بردار شده است.

جدال بسیار اجتماعی و عمیق دیگر در عرصه مذهب و قوانین اسلامی بوده است. امروز جنبشی توده ای و قدرتمند و رادیکال علیه مذهب در ایران جریان دارد. طبق آمار حکومت ۹۱ و ۴ دهم درصد دختران و پسران جوان با هم رابطه دارند، که حتی شامل فرزندان و نوه های آیت الله ها هم میشود. خود این آمار به تنهایی ورشکستگی مذهب و قوانین سنتی و عقب مانده و ضد زن را بخوبی نشان میدهد. مذهب در ایران پدیده ای افشا شده و شکست خورده است. انقلاب فرهنگی عظیمی علیه ارزش ها و نرم های مذهبی در اعماق جامعه جریان دارد، در واقع اتفاق افتاده، و خود را در تجمعات اعتراضی با شعارهای علیه حکومت مذهبی و آیت الله ها نشان میدهد. حکومت سالانه میلیاردها دلار هزینه کرده و دهها ارگان برای اشاعه مذهب و جلوگیری از رویگردانی مردم مخصوصا جوانان از مذهب سازمان داده، دهها هزار آخوند به نقاط مختلف کشور اعزام کرده اما در این جنگ شکست خورده و رویگردانی از مذهب در ابعادی وسیع جریان دارد. جامعه ایران نه تنها اسلامی نیست بلکه امروز یکی از ضد مذهب ترین جوامع دنیا است و هیچ حکومت مذهبی یا نیمه مذهبی را نمیپذیرد.

برای جلوگیری از طولانی شدن متن از توضیح درمورد اعتراضات گسترده دانشجویان و یا اعتراض گسترده مردم علیه لاقیدی حکومت به زلزله زدگان در غرب کشور و یا اعتراضات وسیع مردم سیل زده در استان های مختلف کشور در اینجا خودداری میکنیم. فقط اشاره کنیم که ابعاد اعتراض در ایران بسیار وسیع است و در همه زمینه ها حکومت را بوضوح عقب رانده است. سالی چند هزار اعتصاب و تجمع علیرغم ممنوعیت قانونی آن صورت میگیرد، زنان در ابعادی میلیونی با زیر پا گذاشتن قوانین مربوط به حجاب و مقدسات اسلامی، حکومت را عملا به زانو درآورده اند، مردم در عمل آزادی بیان و عقیده را بدرجاتی بدست آورده اند و انقلابی فرهنگی علیه اخلاقیات اسلامی در زمینه ازدواج و رابطه زن و مرد و سایر مسائل فرهنگی را عملی کرده اند.

سرنگونی حکومت اسلامی به خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم تبدیل شده است. مجموعه این شرایط و این فضا بود که در ژانویه ۲۰۱۸ مردم در صد شهر کشور برای سرنگونی حکومت به میدان آمدند، به ارگانهای سرکوب و دفاتر امام جمعه ها حمله کردند و بويژه با شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و مرگ بر جمهوری اسلامی ضربه قاطعی به اصلاح طلبان و کل حکومت وارد کردند. بیش از ۵۰۰۰ نفر دستگیر شدند و تعدادی توسط سرکوبگران حکومت به قتل رسیدند تا این اعتراضات موقتا فروکش کرد اما اعتراض مردم خود را در اعتصابات سراسری و قدرتمند و سازمانیافته و به میدان آمدن دختران خیابان انقلاب ادامه داد.

مساله مهم در این زمینه چپ شدن فضای جامعه و حاکم شدن شعارهای رادیکال و چپ بر اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان و سایر اقشار جامعه است. همبستگی وسیعی میان مردم شکل گرفته است. کارگران، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه از مبارزات یکدیگر پشتیبانی میکنند، تشکل های کارگری، تشکل های مختلف مربوط به حقوق کودک و زنان و دانشجویان که بطور غیر قانونی خود را تحمیل کرده اند، در قطعنامه هایشان از خواست های کل جامعه حمایت میکنند. امروز خواست هایی مانند آزادی های سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و ممنوعیت شلاق و شکنجه، برابری زن و مرد و لغو همه قوانین تبعیض آمیز و ضد زن، تحصیل رایگان و درمان رایگان و بسیاری خواست های دیگر به خواست هایی سراسری تبدیل شده است. مردم در تجمعاتشان علیه فساد و تبعیض، علیه نابرابری و علیه کلیت سرمایه داری شعار میدهند و خواهان جامعه ای انسانی هستند.

با اتکا به این سنتها و پیشرویها جنبش کارگری در ایران بویژه در سال گذشته گامهای بلندی بجلو برداشت. سال گذشته شعار "اداره شورایی" توسط رهبران کارگری اعلام شد و توجه و حمایت وسیع مردم از جمله دانشجویان را بخود جلب کرد. دانشجویان بر پلاکارهایشان بر اداره شورایی تاکید کردند و شعار فرزند کارگرانیم کنارشان میمانیم به یک شعار جا افتاده تبدیل شد. معلوم شد کارگران یک قدرت سیاسی اند و روی پای خود ایستاده و با آلترناتیو شورایی خود برای بدست گرفتن امور قد علم کرده اند. امروز فضای سیاسی پربار و چپ و آزادیخواهانه ای بر اعتراضات کارگران و بخش های دیگر جامعه حاکم شده است و قد برافراشتن طبقه کارگر آینده روشنی را نوید میدهد.

سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان پیشقراول اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در منطقه، ضربه ای کاری به کل جنبش اسلام سیاسی در منطقه و کل جهان وارد خواهد کرد. کارگران ایران از همین امروز در اجتماعات مختلف خود علنا علیه سیاست های منطقه ای حکومت در سوریه و فلسطین و عراق شعار میدهند و در پیشاپیش مردم معترض خواهان پایان یافتن دخالت جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه شده اند. رهایی صدها میلیون مردم خاور میانه و شمال آفریقا از جهنمی که در آن زندگی میکنند، نه با سیاست های ارتجاعی دول غربی، بلکه با شکل دادن به جنبشی جهانی علیه این حکومت ها و با سرنگونی حکومت های مستبد، اسلامی، ضد زن و ضد بشر، فاسد و جنایتکار اسلامی و غیر اسلامی امکانپذیر است. رهائی جامعه با برپایی حکومتی مبتنی بر سکولاریسم، برابری زن و مرد، آزادی، برابری و رفاه و عدالت اجتماعی و متکی بر اداره شورایی امکانپذیر است. سرنگونی جمهوری اسلامی و شکل دادن به جامعه ای انسانی در ایران که در چشم انداز قرار دارد، شروع شکل گیری تاریخ جدید و شکوهمندی در منطقه خاورمیانه و در کل جهان خواهد بود.

این حقیقت مهمی است که افکار عمومی کل جهان معاصر باید به آن توجه کند و همبستگی قاطع و ادامه داری را با طبقه کارگر و کل مردم آزادیخواه ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای انسانی شکل دهد. حمایت افکار عمومی آزادیخواه از مبارزات کارگران، زنان و مردم ایران نقش بزرگی در تسریع سرنگونی جمهوری اسلامی و افول اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در کل منطقه و جهان و امن تر شدن جهان خواهد داشت و به پیشروی تاریخی و بزرگی برای کل مردم جهان تبدیل خواهد شد.

اصغر کریمی

رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران

12 اردیبهشت 1398، 2 مه 2019